

بررسی فرهنگی

مجموعه کتاب‌های آموزش زبان خارجی



فاطمه حدادی

اشاره

با توجه به تأثیر و نقش فرهنگ در زبان‌آموزی و مواد آموزشی، طرح و برنامه‌ریزی آموزشی نیز دستخوش تغییراتی شده است تا فرایند یاددهی-یادگیری با سهولت بیشتری انجام شود. تا پیش از سال‌های ۱۹۴۰ میلادی، کتاب‌های آموزشی زبان‌مدرسه‌ها دیدگاه فرهنگی یک‌طرفه داشتند. بدین معنا که بر اساس دیدگاه فرهنگی مؤلف که خود نیز مبتنی بر القای فرهنگ رایج در زبان‌مقدم بود، نگاشته می‌شدند. رفته‌رفته و در طول سال‌های ۱۹۷۰، به‌ویژه در دهه‌ی ۸۰ میلادی، این نگرش تعدیل شد و معلمان از صرف تأکید بر مطالب مندرج در کتاب فاصله گرفتند و کوشیدند تا کتاب را تنها بخشی از عوامل و ابزار تعیین‌کننده در آموزش زبان بدانند. آن‌ها اساس کار و همت خود را از «کتاب‌محوری» به ایجاد نوعی شناخت در زبان‌آموزان معطوف داشتند.

در این جا بود که شیوه‌های آموزش، از توجه به مسائل کلیشه‌ای، چون سفارش غذا در رستوران، پرسیدن نشانی در خیابان و یا استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی، به سوی آشناسازی زبان‌آموزان با مسائل عمیق‌تر فرهنگی و رفتاری تغییر مسیر یافت و حوزه‌ی گسترده‌تری را در بر گرفت. با نگاهی به تاریخ زبان‌آموزی در جهان می‌توان هر یک از دهه‌های ۱۹۵۰ به بعد را بنا به گرایش خاص نظریه پردازان آموزش زبان نام‌گذاری کرد. مثلاً می‌توان

۲۵۹۱۹۲
زمستان ۱۳۸۷

۵۸

دهه‌ی ۱۹۵۰ را «دهه‌ی دستور بنیاد»، دهه‌ی ۱۹۶۰ را «دهه‌ی آموزش رفتارگر ایانه»، دهه‌ی ۱۹۷۰ را «دهه‌ی آموزش شناخت‌گرایانه»، دهه‌ی ۱۹۸۰ را «دهه‌ی آموزش جامعه‌شناختی»، دهه‌ی ۱۹۹۰ را «دهه‌ی آموزش روان‌شناختی»، و دهه‌ی ۲۰۰۰ را «آموزش رایانه‌ای» نام گذاشت. از نظام آموزش جامعه‌شناختی به بعد، آموزش زبان با فرهنگ نزدیکی و آمیختگی بیشتری پیدا می‌کند، تا جایی که در سال‌های اخیر، زبان را اساساً بدون عناصر فرهنگی در کتاب‌ها نمی‌توان یافت. اما باید اذعان داشت که طراحان کتاب‌های آموزشی گاه در این رابطه به افراط و تفریط کشانده شده‌اند.

آنچه مسلم است و از بحث فوق برمی‌آید این است که زبان را باید در بافتی موقعیتی آموخت و در این راه نمی‌توان آشناسازی زبان آموزان را با فرهنگ زبان مقصد نادیده گرفت. منظور از بافت موقعیتی، همانا فرهنگ است و منظور از فرهنگ در این بحث، آشنایی با جنبه‌های رفتاری روزمره و رایج زندگی مردم در یک جامعه است، نه صرف ادبیات، تمدن و هنر. تأکید بر نام‌ریزان آموزشی در گنجاندن عناصر فرهنگی در کتاب‌ها به دیدگاه‌ها و برداشت‌های آن‌ها از فرهنگ برمی‌گردد و آشناسازی زبان آموزان با فرهنگ را بیشتر پرداختن به جنبه‌های مشهود فرهنگی، نظیر غذا، لباس و برخی سلیقه‌های عمومی و رایج‌تر مردم جامعه‌ی زبان مقصد می‌دانند، نه جنبه‌های انتزاعی مثل ارزش‌ها، هنجارها و عقاید و باورهای خاص.

در آموزش زبان نقش مؤثر معلم را نمی‌توان نادیده گرفت. زیرا آنان القاگر مسائل فرهنگی در کلاس و تنها منبع زبان آموزان برای دست‌یابی به مسائل فرهنگی-اجتماعی هستند. معلمان با القای برداشت‌ها و نظرات شخصی خود در خصوص مسائل فرهنگی، تأثیر بسزایی در زبان آموزان و گرایش آن‌ها به عناصر ضد ارزشی فرهنگ خارجی دارند.

اما آن‌چه امروز در کتاب‌های آموزشی به‌عنوان عناصر فرهنگی گنجانده شده است، عناصر مثبت، آموزنده و راهگشای حرکت جامعه در راستا رشد و شکوفایی نیست، بلکه در کتاب‌ها در بعضی موارد، رواج پدیده‌های جدید اجتماعی شایع شده است که امکان دارد با هنجارهای فرهنگی جوامع دیگر در تضاد باشد. در چنین شرایطی، ما شاهد بروز عناصر منفی و ضد ارزشی فرهنگ غرب و غربزدگی در کتاب‌های آموزشی هستیم. این عناصر در سطوح گوناگون واژگانی و متنی، در اشاعه‌ی مفاهیم، و در نمایش تصاویر مطرح می‌شوند. این‌گونه مسائل به صورت پوشش و لباس گروه‌های خاص اجتماعی مثل «پانک‌ها»^۱ مطرح کردن مغایرت‌های مذهبی و قومی و دینی، ترویج عناصر فرهنگی غربی حتی عربی، تغییر نام‌های فارسی به عربی یا غربی از جمله تغییر نام خلیج فارس به خلیج عرب، و غیره در کتاب‌ها مطرح شده‌اند.

با این حال، هنوز به درستی مشخص نیست که آیا کتاب‌ها و مواد آموزشی در راه دست‌یابی به اهداف موردنظر ما موفق بوده‌اند یا نه. مسلم است، این معلمان هستند که باید تکیه بر آگاهی و تجربیات ارزشمند خود، آرا داده در تهیه‌ی مواد آموزشی معتبر و موفق که در امر تدریس و فراگیری بهتر زبان آموزان مؤثر است، گام بردارند. در این راه همواره خطر دیدگاه یکطرفه‌ی فرهنگی و تأثیرات منفی احتمالی آن وجود دارد. در این راستا در سال ۱۳۸۶، تحت عنوان «بررسی فرهنگی مجموعه کتاب‌های آموزشی زبان خارجی»، پژوهشی توسط **رامین کشاورزی** با نظارت **حسین گل‌بستان**، به سفارش «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» انجام گرفته که خلاصه‌ی یافته‌های آن در ادامه آمده است.

زبان را باید در بافتی موقعیتی آموخت و در این راه نمی‌توان آشناسازی زبان آموزان را با فرهنگ زبان مقصد نادیده گرفت

۲۵۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۷

۵۹

بعد از استیلای اسلام
بر کشور ایران
نیز روند کاربرد
زبان خارجی
ادامه یافت
که ترجمه‌ی
«کلیله و دمنه»
از پهلوی به عربی
مؤید همین نکته است

مقدمه

بحث آموزش زبان انگلیسی در محافل علمی، پژوهشی و آموزشی بحث تازه‌ای نیست. قدمت این بحث به سال‌ها و زمان‌های دور می‌رسد؛ به زمانی که مصریان، یونانیان، ایرانیان باستان و رومیان افرادی را به ممالک دیگر گسیل می‌داشتند تا اولاً از آن‌ها «زبان» بیاموزند، و ثانیاً در آن ممالک به گردآوری خبر و اطلاعات بپردازند. نمونه‌ی این موارد را می‌توان در کتیبه‌های چندزبانه‌ی هخامنشیان مشاهده کرد. بعد از استیلای اسلام بر کشور ایران نیز روند کاربرد زبان خارجی ادامه یافت که ترجمه‌ی «کلیله و دمنه» از پهلوی به عربی مؤید همین نکته است. در سال‌های نه‌چندان دور، به‌علت نفوذ انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها در کشور و تاخت و تاز آن‌ها در عرصه‌های نظامی، تجاری، اقتصادی، فرهنگی و غیره و ورود مستشاران انگلیسی و آمریکایی، فرایند یادگیری و آموزش زبان در کشور مجدداً به‌طور جدی مطرح شد و رژیم‌های وابسته در صدد اعزام افرادی خاص به این کشورها برآمدند. به‌تدریج تعداد افراد «زبان‌فرنگی‌دان» در کشور افزایش پیدا کرد؛ مسئله‌ی آموزش زبان به مدارس راه یافت. با راه یافتن آموزش زبان به مدارس (البته ابتدا زبان فرانسه و سپس زبان انگلیسی)، به‌علت کثرت زبان‌آموزان و عدم تربیت مناسب معلمان، آموزش زبان به بیراهه کشانده شد و نتیجه‌ی آن وضعیت کنونی آموزش زبان در کشور است؛ چنان‌که امروز در محافل علمی، آموزش رسمی را در مدارس به «اسب‌مرد»^۲ تشبیه می‌کنند.

در کنار آموزش رسمی زبان که تا کنون عقیم مانده است، می‌توان به آموزش غیررسمی زبان در آموزشگاه‌های خصوصی اشاره کرد. آموزشگاه‌ها از یک طرف به‌علت قلت زبان‌آموزان، و در نتیجه انتخاب و استخدام مدرسان با معلومات و زبان‌دان و گاه متعهد، و از طرف دیگر با اتخاذ روش‌های تدریس و ارزش‌یابی مناسب و نیز انتخاب مواد آموزشی مناسب و کارا، توانسته‌اند تأثیر بسزایی در روند آموزش زبان در کشور به جای بگذارند. در مجموعه‌ی این‌گونه مراکز، به‌تدریج واحدی به‌نام «واحد روش‌های تدریس و تهیه‌ی مواد آموزشی» در نظر گرفته شده است که وظیفه‌اش اتخاذ روش‌های تدریس جدید و مناسب و نیز انتخاب و تدوین مواد آموزشی متناسب با علم روز است. مسئولین این واحدها همواره در تلاش‌اند، مواد آموزشی مغایر با مصوبات واحد فرهنگی و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تولید نشوند و همواره خود را ملزم به رعایت مقررات تعیین شده توسط آن واحد فرهنگی کرده‌اند. در واقع کوشیده‌اند، عناصر فرهنگی ضد ارزشی از کتاب‌ها حذف و اصلاح شوند. مقررات واحد فرهنگی مذکور بنا به مقتضیات روز دائماً در حال تغییر بوده که این امر گاه ناشران و مسئولان آموزشگاه‌ها را در انجام و اعمال اصلاحات فرهنگی در کتاب‌ها، دچار سردرگمی کرده است. امروزه شاید به راحتی بتوان گفت که چاپ و نشر کتاب‌های آموزشی بدون اعمال انطباق فرهنگی انجام می‌شود.

شکی نیست که آموزشگاه‌های آزاد زبان‌های خارجی در راستای پیام حضرت امام (ره) که: «پیش‌تر به زبان (خارجی) احتیاج نبود، امروز احتیاج است. باید زبان‌های زنده‌ی دنیا جزو برنامه‌ی تبلیغات مدارس باشد... امروز مثل دیروز نیست که صدای ما از ایران بیرون نمی‌رفت. امروز ما می‌توانیم در ایران باشیم، در هر جای دنیا با زبان دیگر تبلیغ کنیم»، در جهت تقویت بنیه‌ی توان زبان عمومی دانش‌آموزان، دانشجویان، و دیگر اقشار جامعه، از جمله مدیران و

۲۵۹۱۹۲
زمستان ۱۳۸۷

۶۰

غیره، گام برداشته و برمی دارند.

اما تقریباً در اواخر دهه‌ی ۶۰، این آموزشگاه‌ها از تألیف کتب خود دست کشیدند و به خرید کتب چاپ شده‌ی خارجی دست زدند تا با استفاده از آن‌ها، مواد آموزشی خود را تنظیم کنند. با ورود کتاب‌های چاپ خارج به کشور، روند تولید کتاب‌های آموزشگاه‌های زبان تغییر کرد. بدین ترتیب که آموزشگاه‌ها در نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۶۰ و اوایل دهه‌ی ۷۰ به انتخاب بخش‌هایی از کتب خارجی مبادرت ورزیدند و تقریباً در اواخر دهه‌ی ۷۰ به چاپ و نشر کتب مذکور اقدام کردند. چاپ این کتاب‌ها از طریق ناشرین ایرانی صورت می‌گرفت که کتاب را با اندک تغییراتی افسط می‌کردند. هرچند که در هر دو برهه‌ی زمانی، ناشرین چاپ کتاب‌هایشان را تحت نظارت واحدهای فرهنگی وزارت ارشاد اسلامی انجام می‌دادند، ولی گاه چنین نظارتی را نادیده می‌گرفتند و بدون هماهنگی لازم به چاپ کتاب اقدام می‌کردند. چنین کتابی را در اختیار آموزشگاه‌ها قرار می‌دادند و آموزشگاه‌ها نیز آن را تدریس می‌کردند.

برخی ناشران در چاپ کتاب‌هایشان، گاه اهمیتی به هماهنگی فرهنگی نمی‌دادند و یا این که این عمل را نادرست انجام می‌دادند. نمونه‌ی این‌گونه برخوردها را در بسته‌ی آموزشی «American Streamline» مشاهده می‌کنیم. در این مجموعه کتاب‌ها، بدون این که در متن تغییری ایجاد کنند، عکس‌هایی از آن را سیاه کرده‌اند و یا این که تغییر نادرستی در متن به وجود می‌آورند؛ مثل قرار دادن «milk» به جای «wine». در یکی از درس‌های این کتاب، جوانی به «bar» می‌رود و درخواست «red wine» می‌کند. صاحب رستوران از او می‌پرسد که آیا ۱۸ سال دارد یا نه. حال اگر به جای «wine» ما «milk» را قرار دهیم، تصور کنید که آن جوان وارد رستوران شود و تقاضای «شیر قرمز» کند و صاحب رستوران از او بپرسد که آیا برای شیر خوردن ۱۸ ساله است یا نه. جوانان ما و نیز معلمان این آموزشگاه‌ها در کلاس مطرح می‌کنند که: اولاً «شیر قرمز رنگ» در کجای جهان یافت می‌شود؟ دوماً آیا برای شیر خوردن باید ۱۸ ساله بود یا شیرخوار؟

تقریباً در اواسط دهه‌ی ۱۳۷۰، مقام معظم رهبری به مسئله‌ی تهاجم فرهنگی و راه‌های پیشگیری آن اشاره کردند و در جلسه‌ای با حضور مسئولان وقت وزارت آموزش و پرورش، از جمله وزیر وقت (جناب آقای مظفر، و معاونین ایشان) و دیگر مسئولان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، از وضعیت نظام آموزش زبان خارجی گلایه داشتند و از محتوای مجموعه‌ها انتقاد کردند. ایشان در همان جلسه، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را مأمور رسیدگی به محتوای مواد آموزشی کردند و از مسئولان خواستند، محتوای مواد آموزشی و بالخصوص آموزش زبان را سامان بخشند.

پیرو مأموریت محوله و نیز در راستای سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی توسعه‌ی نظام جمهوری اسلامی ایران و به استناد بندهای اشاره شده در سند، موضوع برخورداری از تمدن و فرهنگی غنی، برخورداری از میراث با ارزش تاریخی-فرهنگی و اجتماعی، برخورداری از خلاقیت و استعداد ویژه‌ی انسانی از جمله قشر جوان و دانش‌آموخته، برخورداری از استقلال سیاسی و تجربه‌ی انقلاب اسلامی، برخورداری از توانایی نوین علمی، پژوهشی و آموزشی و... در ارتباط با زیرمجموعه‌های بند ۱ سند مذکور: تشکیل جامعه‌ای متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های دینی، ملی، انقلابی و متکی بر مردم‌سالاری دینی، پرورش جامعه‌ای برخورداری از روابط مناسب

با ورود کتاب‌های چاپ خارج به کشور روند تولید کتاب‌های آموزشگاه‌های زبان تغییر کرد

۲۵۹۱۹۲
زمستان ۱۳۸۷

۶۱

برخی ناشران
در چاپ کتاب‌هایشان
گاه اهمیتی
به هماهنگی فرهنگی
نمی‌دادند
و یا این‌که
این عمل را
نادرست انجام
می‌دادند

افراد و نیز معتقد به نظام مقدس جمهوری اسلامی... و نیز به استناد موضوعات هشت گانه‌ی زیر مجموعه‌ی الف بند ۲ سند نام‌برده در خصوص تقویت و توسعه‌ی امور فرهنگی و به استناد بندهای الف و ب سیاست‌های کلی برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با امور فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، و همین‌طور به استناد بندهای ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ ماده‌ی ۲ قانون تشکیل سازمان، لازم و ضروری بود تا بررسی‌هایی در خصوص مواد آموزشی چاپ خارج از کشور که در صدد ضربه زدن به پیکر و شالوده‌ی نظام جمهوری اسلامی هستند، صورت گیرد تا از تأثیرات منفی نهفته در مجموعه‌های آموزشی جلوگیری به عمل آید. در همین رابطه، کمیته‌ی علمی، فرهنگی و پژوهشی متشکل از استادان، صاحب‌نظران، مسئولین آموزشگاه‌ها، مدرسین تربیت معلم و مسئولان سازمان پژوهش، برای انجام بررسی‌های لازم درباره‌ی رسانه‌ها و مواد آموزشی زبان چاپ‌های خارج و داخل تشکیل شد. اعضای این کمیته طی جلساتی مبانی مغایرت‌های فرهنگی را تعریف و تعیین کردند و آن را مبنای کار خود قرار دادند. با توجه به ضرورت اصلاح کتاب‌های چاپ ناشرین خارجی، رعایت نکات زیر لازم به نظر می‌رسید. لذا اعضای کمیته، مسائل و نمونه‌هایی از مغایرت‌های فرهنگی را تعریف و در اختیار گروه‌های بررسی‌کننده‌ی فرهنگی قرار دادند تا در بررسی کتاب‌ها به آن‌ها توجه شود. (البته این فهرست باز است و مسائل جدیدی که در آینده ممکن است به کتاب‌های آموزشی وارد شوند، به آن اضافه خواهد شد):

۱. روابط زن و مرد باید به شکل مناسبی معرفی شود. شکل نامناسب آن می‌تواند شامل یکی از این موارد باشد:

- الف) شخصیت‌ها به صورت «boyfriend» یا «girlfriend» معرفی شوند.
 - ب) شخصیت‌ها بخواهند «date» بگذارند و یا بر جنبه‌ی «dating» تأکید شود.
 - ج) شخصیت‌ها «go steady» کنند.
 - د) مسائل «valentine's day» معرفی شود و حتی به ریز مطالب نیز پردازد.
 - ه) مدارس به صورت مختلط معرفی شوند.
 - و) مسئله‌ی «cohabitation» پررنگ شود و زبان‌آموزان به هم‌زیستی تشویق شوند.
۲. در طول کتاب نباید فرهنگ غربی بالاخص انگلیسی برتر جلوه کند. برتری فرهنگی می‌تواند به یکی از اشکال زیر معرفی شود:

- الف) فرهنگ مبدأ تحقیر شود.
 - ب) اسامی اسلامی در شغل‌هایی مثل دربان، مستخدم، نوکر، و غیره معرفی شوند؛ و در عوض، اسامی لاتین همیشه مخصوص رییس و صاحب باشند.
 - ج) فرهنگ غرب و به‌ویژه انگلیسی و یا آمریکایی، فرهنگ برتر و بهتر معرفی شود.
۳. باید از الگوبرداری از فرهنگ غرب جلوگیری شود. مثال‌های این مورد به شرح زیرند:

- الف) معرفی مدل‌های لباس و مواد آرایش.
- ب) معرفی هنرپیشه‌ها و خوانندگان و زندگی نامناسب و ازدواج‌های هنری آن‌ها.
- ج) ترک خانواده توسط دختران و پسران در سنین قبل از ازدواجشان.
- د) معرفی گانگسترها و شخصیت‌های گانگستری.

هـ) معرفی خلیج عرب به جای خلیج فارس.
۴. باید دقت شود از نمایش تصاویر نامناسب پرهیز شود. مثال های این مورد به شرح زیرند:

الف) مدارس مختلط.

ب) دوستی پسر و دختر و قرار گذاشتن آن ها.

ج) استخرهای مختلط.

د) کنار دریا با لباس شنا.

هـ) همزیستی های نامناسب.

و) مدل های لباس، مو و آرایش.

ز) تصاویر هنرپیشگان و خوانندگان.

ح) تصاویر جنایت ها و دزدی ها.

۵. باید در محتوای متون دقت شود و موارد زیر مطرح نشوند:

الف) زندگی نامناسب هنرپیشگان و خوانندگان و ازدواج های هنری آن ها.

ب) معرفی غرب و به ویژه انگلیس و آمریکا به عنوان تمدن برتر.

ج) معرفی دختر و پسر و قرارهای ملاقات آن ها به صورت دوست.

د) معرفی همزیستی زن و مرد بدون ازدواج.

هـ) ترک خانواده.

و) تغییر نام جغرافیایی اماکن مثل خلیج فارس.

۶. باید در جملات متن ها و تمرین ها نیز دقت اساسی صورت گیرد. جملاتی که به نوعی فرهنگ منفی غرب را اشاعه می دهند، باید از کتاب ها حذف شوند. در این زمینه می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) سفارش دادن غذا و نوشابه ی غیرمذهبی، مثل شراب، آبجو، گوشت خوک و غیره.

ب) سفارش و آموزش بازی های غیرمذهبی مثل قمار، کارت بازی و غیره.

ج) آموزش نحوه ی سفارش غذای نامناسب، قرار ملاقات با جنس مخالف، بازی های

غیرمذهبی و غیره.

۷. در متن ها و جملات نیز باید به واژگان نامناسب توجه شود. واژگانی که به نوعی مسائل فوق را اشاعه و یا آموزش می دهند، باید از کتاب ها حذف شوند. این گونه واژگان می توانند به شرح زیر باشند:

a) Wine, beer, liquor, alcoholic beverages, distilled liquid, etc.

b) Pigs, swine, ham, hog, etc.

c) Gangsters, criminals, hoodlums, hooligans, bribers, swindlers, crook, cheaters, smugglers, contrabandist, etc.

d) Boyfriend, girlfriend, valentine's day, etc.

e) Making love, co-habitation, lovers, sweetheart, honey, etc.

f) Casino, bar, dance, sing a song, etc.

g) Gambling, playing cards, poker, bridge, bet, etc.

جملاتی که

به نوعی

فرهنگ منفی غرب را

اشاعه می دهند

باید از کتاب ها

حذف شوند

در مورد محاوره‌ها
باید به متن
بافت، موقعیت
و تصاویر آن‌ها
توجه کرد

۸. در مورد محاوره‌ها باید به متن، بافت، موقعیت، و تصاویر آن‌ها توجه کرد. در این زمینه، موارد نامناسب از این قبیل اند:

الف) زن یا مرد یا هر دو در casino, bar, disco و غیره.
ب) دختر و پسر باهم در مدرسه، کلاس، پارک و غیره.
ج) معرفی علی و مشابه آن به عنوان باربر و معرفی Smith و مشابه آن به عنوان رییس یا صاحب.

۹. باید توجه داشت که گروه خاصی از گروه‌های punk, delinquent و غیره معرفی و اشاعه نشود. این گروه‌ها ممکن است به طرق متفاوت نشان داده شوند؛ مثل:
الف) معرفی گروه به طور علنی.
ب) معرفی طرز لباس پوشیدن آن‌ها.
ج) معرفی طرز آرایش موی آن‌ها.
د) معرفی آن‌ها در قالب خوانندگان و هنرپیشگان.

۱۰. در کتاب‌ها به هیچ وجه نباید مقدسات نادیده گرفته شوند. این موارد می‌توانند در قالب توهین مستقیم، و یا نادیده گرفتن ارزش‌ها در معرفی اشخاص، و غیره ظاهر شود.

۱۱. نباید بازی‌های غیر شرعی و غیر مذهبی و انواع قمار معرفی شوند.

◀ زیرنویس

1. Punks
2. Dead horse